

سردستگی گروه مجرمانه در حقوق ایران و کنوانسیون پالمو

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲

محمد رضا درخشان^۱غلامحسین رضایی^۲مصطفی فروتن^۳

چکیده:

سردستگی گروه مجرمانه اصطلاحی است که از نظر محتوا از اوایل قانونگذاری ایران مورد توجه بوده و همواره مسئولیت کیفری تشکیل دهنده یا اداره کننده گروه‌های مجرمانه از باب تشکیل گروه یا به عنوان یک عامل مشدده مجازات مرتکب مد نظر بوده است. در این ارتباط، کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی در سال ۲۰۰۱ به تصویب اعضای سازمان ملل رسید و جهات مختلف گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مورد بررسی قرار گرفت. لفظ سردستگی گروه مجرمانه نخستین بار در حقوق کیفری ایران در ماده (۱۳۰) ق.م.ا. به کار گرفته شد و جنبه جدیدی از مسئولیت وی، یعنی مسئولیت کیفری در قبال جرایم ارتكابی اعضای گروه در راستای اهداف گروه مورد توجه قرار گرفت. هرچند قانونگذار با استفاده دیدگاه ذهنی‌گرایی سعی در تبیین این مفهوم و تعیین بایسته مسئولیت کیفری وی داشته است ولی موفق به چنین امری نشده است. در این مقاله برآنیم با روش تحلیلی و توصیفی و با استفاده از تفسیر غایت‌مدار ابعاد حقوقی سردستگی گروه مجرمانه را تشریح و پیشنهادات لازم در جهت کارایی آن ارائه کنیم.

واژگان کلیدی: سردسته، گروه مجرمانه، مسئولیت کیفری، ارتکاب جرم.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). Gh_h_rezaii@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. forutanmostafa@gmail.com

تشکیل گروه‌های سازمان‌یافته و ارتکاب جرایم توسط آن‌ها شاید بزرگترین معضلی باشد که در قرن حاضر جامعه جهانی و کل بشریت را تهدید می‌کند. اگرچه ارتکاب هر جرمی نظم اجتماعی را تهدید می‌کند؛ ولی این جرایم ویژگی‌هایی دارد که مقابله شایسته با آن‌ها ضروری است. گروه‌های سازمان‌یافته دارای تشکیلات عظیم و بنیه مالی قوی، دارای سلسه مراتب خاص و هر یک از اعضاء حقوق و تکالیف خاص خود را دارند. به دلیل همین ویژگی‌ها، جرایم ارتكابی آنها محدود به یک یا دو جرم نیست و در طول زمان استمرار دارد. برای مقابله با گروه‌های مجرمانه، صاحب‌نظران و حقوقدانان از دو دهه پیش در خصوص خطرات و ابعاد گسترده فعالیت آنها، مانند: خصوصیات جرایم ارتكابی (سازمان‌یافته بودن جرایم)، خصوصیات گروه مجرمانه (منظم بودن)، آثار تشکیل چنین گروه‌هایی بر نظم عمومی، تحلیل جرم‌شناختی آنها قلم فرسایی کرده‌اند. (Abadinsky, ۲۰۰۵: ۳) بالاخره در می (۲۰۰۱) کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی به تصویب اعضای سازمان ملل رسید و ضمن آن جهات مختلف گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مورد بررسی قرار گرفت.^۱ یکی از جنبه‌های فراموش شده گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، توجه به نقش اعضای گروه و میزان مسؤولیت کیفری آنها است. به منظور تبیین بایسته مسؤولیت کیفری اعضای چنین گروه‌هایی، تفکیک نقش میان سردسته گروه مجرمانه با سایر اعضا ضروری است. در این راستا، قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۳۰ به تبیین سردستگی گروه مجرمانه و مسؤولیت کیفری وی از جهت جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه پرداخته است. با این وجود، این موضوع هنوز به خوبی توسط حقوق‌دانان کیفری تبیین نشده است و جنبه‌های مختلف مسؤولیت کیفری سردسته گروه مجرمانه از جهت جرایم ارتكابی اعضای گروه مورد تحلیل قرار نگرفته است. از این رو، در مقاله پیش رو، قصد داریم مفهوم سردسته گروه مجرمانه را تحلیل کنیم و زوایای مختلف مسؤولیت کیفری سردسته در قبال جرائم ارتكابی بررسی و در پایان ماهیت سردستگی را از جهت جرائم ارتكابی توسط اعضای گروه از منظر شیوه‌های ارتكاب جرم تحلیل خواهیم کرد. در پایان به این نتیجه خواهیم رسید قانونگذار در مساله سردستگی گروه مجرمانه گام بلندی در جهت حل مساله شیوه‌های ارتكاب جرم برداشته است.

۱- مفهوم و مسؤولیت سردستگی گروه مجرمانه

^۱ برای نخستین بار، کنگره پیش‌گیری از جرم سازمان ملل متحد از سال ۱۹۷۵م. در کنار جرایم عادی به سازمان یافته شدن برخی جرایم اشاره کرد. کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته در اجلاس ۵۴ این کنگره در سال ۲۰۰۰ م. به تصویب رسید. یک ماه بعد در پارلمو ایتالیا کنفرانس بین‌المللی برای امضاء کنوانسیون تشکیل گردید. به همین دلیل به کنوانسیون پارلمو مشهور شد.

قبل از پرداختن به بحث در خصوص مسؤولیت کیفری سردستگی گروه مجرمانه پرداختن به مفهوم سردستگی و گروه مجرمانه لازم و ضروری است. لذا در بند نخست، مفهوم و در بند دوم، مسؤولیت کیفری سردستگی گروه مجرمانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱- مفهوم سردستگی و گروه مجرمانه

در این بند ضمن دو قسمت "الف" و "ب" مفاهیم سردستگی و گروه مجرمانه تبیین می‌کنیم. کنوانسیون پالمو به عنوان سند مورد وفاق جامعه جهانی در زمینه تبیین مفهوم گروه مجرمانه چراغ راه خواهد بود. لذا در قسمت "ب" مفهوم گروه مجرمانه در حقوق کیفری ایران با مطالعه تطبیقی با کنوانسیون مذکور مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۱-۱- سردستگی

تبصره (۲) ماده (۱۳۰) ق.م.ا. سردستگی گروه مجرمانه را تعریف نکرده بلکه مصادیق آن را ذکر کرده است. با نگاهی به مصادیق سردستگی می‌توان دریافت که قانونگذار برای سردستگی معنایی فراتر از مفهوم لغوی و عرفی آن مد نظر قرار داده است؛ چه آن که در لغت سردستگی به معنای سردمداری، رهبری، فرماندهی و مدیریت در عرف منظور از سردستگی همان مدیریت و اداره کردن است (عمید، ۱۳۶۹: ۴۳۵). از این رو، مفهوم سردستگی در حقوق ایران دارای یک «حقیقت قانونی» است. لذا مصادیق سردستگی به شرح ذیل است.

طراحی کردن: به معنی تعیین ساختار گروه مجرمانه است. گاهی گروه مجرمانه به صورت افقی طراحی می‌شود به گونه‌ای که هر فردی فقط از رهبر گروه دستور می‌گیرد. مانند، گروه‌های مجرمانه مافیا در ایتالیا که ۱۸۰ خانواده (اعضای یک گروه که در قلمرو خاصی فعالیت می‌کنند) تشکیل شده است. هر خانواده یک رئیس دارد و کل مافیا داری یک رئیس‌الروسا است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۱). گاهی دیگر گروه مجرمانه به صورت عمودی و هرمی طراحی می‌شود به گونه‌ای که هر عضوی دارای یک مافوق است تا به رئیس اصلی گروه مجرمانه ختم می‌شود. مانند، گروه تبهکارانه یاکوزا در ژاپن (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹۱) بدیهی است که طراح گروه مجرمانه در صورتی سردسته محسوب می‌شود که طرح وی برای تشکیل گروه مجرمانه مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا در غیر این صورت، رابطه استناد بین رفتار وی و نتیجه رفتار که همان ارتکاب جرم توسط اعضای گروه است قطع خواهد شد، HANS-JORG (ALBRECH: ۱-۲).

تشکیل دادن: تشکیل گروه مجرمانه معادل تاسیس است و تشکیل دهنده همان مؤسس است. تشکیل دادن به معنی پیاده کردن طرح گروه مجرمانه در عالم خارج است. تشکیل گروه مجرمانه از طریق عضوگیری است. بنابراین، تشکیل دادن دارای دو رکن **عضوگیری** و **ایجاد گروه مجرمانه** است. از این رو، عضوگیری در صورتی که منتهی به تشکیل گروه مجرمانه جدید نشود و گروه قبلی را گسترش دهد

از مصادیق سردستگی نیست. هرچند شایسته است صرف عضوگیری مؤخر بر تشکیل گروه مجرمانه نیز از مصادیق رفتارهای سردستگی باشد (M.CHERIF BASSIOUNI AND VETERE, ۱۹۹۸: ۲۳).
 ۲۵. با این وجود، به نظر می‌رسد: چنانچه با عضوگیری شعبه‌ای به گروه مجرمانه اصلی افزوده شود رفتار مذکور محقق شده است؛ چه آن که از این طریق یک گروه مجرمانه جدید تشکیل شده است هرچند تحت نظر گروه مجرمانه دیگری و وابسته به آن باشد.

سازماندهی: سازماندهی به معنای آن است که وظایف هر عضوی در گروه مشخص و معین شود. در این راستا، با توجه به توانایی‌ها و استعدادها هر عضوی وظایف گروه مجرمانه فی مابین آنان تقسیم می‌شود. **اداره کردن:** اداره کردن به معنای نظارت کردن بر عملکرد سایر اعضای گروه و ارائه راه‌کارهای لازم در جهت بهبود امور است. کنوانسیون پالرمو علاوه بر مدیر، سرمایه‌گذار مالی گروه مجرمانه به عنوان سردسته مورد شناسایی قرار داده است. بایسته بود قانونگذار ایران نیز چنین شخصی را به عنوان سردسته گروه مجرمانه مورد شناسایی قرار می‌داد تا از این طریق با این دسته از اشخاص نیز به نحو شایسته مقابله شود (WILLY, ۲۰۰۲, ۷۰).

نکته قابل ذکر آن است که ممکن است یک نفر مرتکب تمام مصادیق سردستگی گروه مجرمانه شود. در این صورت، سردسته با سایر شرایط فقط به یک مجازات محکوم می‌شود؛ چه آن که صرف سردستگی جرم محسوب نمی‌شود تا مشمول قواعد تعدد مادی شود و با ارتکاب جرم توسط اعضا برای سردسته یک مجازات تعیین می‌شود. هرگاه چند نفر با یکدیگر مرتکب یک مصداق از سردستگی شوند. در این صورت کسانی که در عملیات اجرایی سردستگی دخالت دارند شریک در سردستگی گروه مجرمانه و کسانی که در عملیات اجرایی دخالت ندارند و فقط به انجام آن کمک می‌کنند مطابق ماده (۱۲۷) ق.م.ا. به مجازات معاونت در سردستگی گروه مجرمانه محکوم می‌شوند.

۱-۱-۲ گروه مجرمانه

مطابق تبصره (۱) ماده (۱۳۰) ق.م.ا. گروه مجرمانه عبارت است از: گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن به سوی ارتکاب جرم منحرف می‌شود. از نظر کنوانسیون پالرمو: گروه مجرمانه سازمان‌یافته، گروهی است دارای ساختاری تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر که برای مدت زمانی موجودیت می‌یابد و با هدف ارتکاب یک یا چند جنایت شدید یا جرایم مندرج در این کنوانسیون به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم یک نفع مالی به طور هماهنگ و فراملی فعالیت می‌کند. (EDWARD, ۲۰۰۲, ۱۲). بنابراین، گروه مجرمانه دارای ویژگی‌های ذیل است:

نخست: در حقوق کیفری ایران: گروه مجرمانه باید «نسبتاً منسجم» باشد. به نظر می‌رسد: برای تحقق وصف «نسبتاً منسجم» نیاز به یک گروه متشکل سازمان یافته که دارای سلسه مراتب تعریف شده، نیست، بلکه باید بین اعضا آن چنان هماهنگی وجود داشته باشد که امور بر عهده گرفته را به راحتی انجام دهند (سبزواری، ۱۳۹۲: ۳۶۸) به عبارت دیگر، وظایف هر عضوی در گروه اجمالاً و نه به صورت تفصیلی مشخص باشد. در کنوانسیون پالرمو گروه مجرمانه باید «واجد ساختار تشکیلاتی» باشد. هر چند اغلب حقوقدانان تصریح کرده‌اند: منظور آن است که دارای سازمان خاصی باشد و اعضای تشکیل دهنده آن در بین خود دارای سلسه مراتب باشند. بنابراین، عضویت هر عضوی و وظایف هر یک به طور تفصیلی مشخص و معلوم باشد. (۲۴: ۲۰۰۵, Abadinsky) گزارش کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون تصریح کرده است: گروه واجد ساختار تشکیلاتی نیاز به سلسه مراتب ندارد و اعم است از گروه‌های واجد سلسه مراتب یا فاقد سلسه مراتب^۱. بنابراین، وصف «نسبتاً منسجم» در حقوق کیفری ایران معادل وصف «واجد ساختار تشکیلاتی» در کنوانسیون است.

دوم: در حقوق کیفری ایران و کنوانسیون پالرمو تعداد اعضای گروه حداقل باید سه نفر باشند (EDWARD, , ۲۰۰۲: ۱۴)

از این رو، اگر سردسته جز اعضای گروه باشد حضور دو نفر عضو دیگر کافی است. در غیر این صورت، حضور سه نفر عضو لازم است. اعضا گروه مجرمانه الزاماً انسان هستند و اشخاص حقوقی از شمول آن خارج هستند؛ زیرا قانونگذار در تبصره (۱) ماده (۱۳۰) قانون مجازات اسلامی در مقام تعریف گروه مجرمانه از لفظ «نفر» بهره برده است. صغیر یا مجنون بودن یکی از اعضا مؤثر در حق دیگران نیست؛ چه آن که صغر سن و جنون از موانع شخصی مسئولیت کیفری است^۲.

سوم: در حقوق کیفری ایران باید گروه مجرمانه برای ارتکاب جرم یا جرایم خاصی تشکیل شود یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف شود. به نظر می‌رسد: فقط جرایم عمدی مد نظر است؛ زیرا اعضای گروه باید قبل از ارتکاب جرم، قصد ارتکاب آن را داشته باشند. از این رو، اشاره به جرایم مستوجب دیه قابل انتقاد است؛ چه آن که دیه به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس یا عضو یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهت قصاص ندارد مقرر شده است. از یک سو، جنایت عمدی که ابتداً مستوجب قصاص است و در ماده (۱۳۰) ق.م.ا. جرایم مستوجب قصاص ذکر شده است. از سوی دیگر، در جنایت غیر عمدی نیز اعضای گروه قصد انجام آن را ندارند. در کنوانسیون پالرمو گروه مجرمانه باید برای ارتکاب جرم شدید یا جرایم مندرج در کنوانسیون تشکیل شود. منظور از جرم شدید: جرمی است که حداقل دارای ۴ سال حبس یا یکی از جرایم مذکور در کنوانسیون باشد. جرایم مندرج در کنوانسیون عبارت است از: مشارکت در یک گروه سازمان یافته، تطهیر در آمدهای ناشی از ارتکاب جرم،

۱ . U.N.Doc. A/55/383/Add1, p3.

۲ . برای دیدن نظر مخالف: ر.ک: شاکری، ابوالحسن و قلی زاده، بهروز، سردستگی در حقوق کیفری ایران، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۳، پاییز ۱۳۹۷، ص ۱۰۴.

ارتشاء و اختلال در اجرای عدالت در جریان دادرسی مرتبط با جرایم مذکور است. به نظر می‌رسد: موضع کنوانسیون از این جهت که همه جرایم مشمول جرایم سازمان‌یافته نمی‌داند منطقی‌تر است؛ چه آن که با توجه به عموم و اطلاق ماده (۱۳۰) ق.م.ا. حتی سردستگی در جرایم بسیار خرد نیز جرم است. در صورتی که چنین دیدگاهی، مطابق یک سیاست جنایی منطقی نیست.

چهارم: ماده (۵) کنوانسیون پالمو سه شرط برای تحقق سازمان‌یافتگی گروه مجرمانه ضروری دانسته است. ۱. گروه باید استمرار داشته باشد. بدین معنا که یا در عالم خارج فعالیت مستمر داشته باشد یا اگر در ابتدای تشکیل گروه ماهیت آن کشف شده است، قرار بر آن باشد که در طول زمان استمرار داشته باشد. ۲. هدف از تشکیل گروه باید تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم نفع مالی باشد. ۳. جنایت ارتكابی ماهیتاً فراملی باشد. شرط دوم و سوم به لحاظ ماهیت کنوانسیون مقرر شده است: FIJNAUT, ۲۰۰۲, (۴۹). در حقوق کیفری ایران، قید اخیر برای تحقق سازمان‌یافتگی گروه مجرمانه ضروری نیست، ولی به نظر می‌رسد: برای تحقق وصف سازمان‌یافتگی استمرار گروه لازم و ضروری است. خواه استمرار عینی باشد یا ذهنی. استمرار عینی بدین معناست که گروه برای مدت زمانی در جهت ارتكاب جرم فعالیت داشته باشد. منظور از استمرار ذهنی آن است که هرچند ماهیت مجرمانه گروه پس از تشکیل توسط مراجع قضایی کشف شده ولی تشکیلات گروه بیانگر آن باشد که گروه مجرمانه برای مدت زمان کوتاه و برای ارتكاب یک یا دو جرم خاص به وجود نیامده است بلکه قرار بوده در طول زمان استمرار داشته باشد. قانونگذار ایرانی استمرار فعالیت گروه را شرط تحقق گروه مجرمانه سازمان‌یافته نمی‌داند. بنابراین، قانونگذار ایرانی برخلاف عنوان صدر ماده (۱۳۰) ق.م.ا. **باند مجرمانه** را تعریف کرده است و نه گروه مجرمانه سازمان‌یافته.

۱-۲- مسئولیت کیفری سردستگی گروه مجرمانه

در حقوق کیفری ایران سردسته گروه مجرمانه از جهات گوناگونی دارای مسئولیت کیفری است. **نخست:** به عنوان عضویت در گروه مجرمانه. **دوم:** به عنوان معاونت در ارتكاب جرایم توسط اعضای گروه. **سوم:** به عنوان معاونت در تشکیل گروه مجرمانه. **چهارم:** به عنوان جرایم ارتكابی خویش در گروه مجرمانه^۱. مانند تبصره ماده (۵) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که مقرر داشته است: «مرتکبین جرائم فوق چنانچه به صورت زنجیره‌ای عمل کرده باشند...»^۲. در این نوشتار، مسئولیت کیفری سردسته

۱. برای دیدن نظرات مختلف در مورد نوع و میزان مجازات: ر.ک. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چ ۲۹، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲، صص ۶۹-۷۰. سالاری، میرزا مهدی (۱۳۸۷)، جرایم علیه امنیت، چ ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان، صص ۱۲۴-۱۲۵. آقابابایی، حسین، بررسی فقهی-حقوقی جرم براندازی، چ ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، صص ۳۵۷-۳۹۳. ۲. برای دیدن نظری که سردستگی گروه مجرمانه در ماده (۱۳۰) ق.م.ا. شامل تمام مصادیق دخالت سردسته در ارتكاب جرم می‌شود و اعم از معاونت در جرم و مشارکت است. ر.ک: مقیمی، مهدی. صوفی زمرد، محسن، مفهوم و قلمرو جرائم سازمان‌یافته در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، مجله کارآگاه، سال یازدهم، پاییز ۹۷، شماره ۴۴، ص ۵۴.

از باب سردستگی گروه مجرمانه می‌پردازیم. خواه آنکه صرف سردستگی موجب مسؤولیت کیفری باشد یا آنکه از باب جرائم ارتكابی توسط اعضای گروه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲-۱- مسؤولیت کیفری سردهسته گروه مجرمانه به صرف سردستگی

در حقوق کیفری ایران صرف سردستگی گروه مجرمانه و صرف نظر از ارتكاب یا عدم ارتكاب جرم توسط اعضای گروه یا سردهسته فقط در ماده ۴۹۸ ق.م.ا.ت قابل مجازات است. قانونگذار دو مصادق سردستگی یعنی تشکیل و اداره گروه مجرمانه‌ای که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد (ماده ۴۹۸ ق.م.ا.ت) یک تا ده سال حبس تعیین کرده است. بدیهی است که طراح و سازمان‌دهنده گروه مجرمانه، در ماده مذکور سردهسته محسوب نمی‌شوند و معاون در تشکیل یا اداره گروه مجرمانه خواهند بود.

۱-۲-۲-۱- مسؤولیت کیفری سردهسته گروه مجرمانه به دلیل جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه

مسؤولیت کیفری سردهسته به مفهوم الزام مرتکب به تحمل مجازات است (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۲۴) این بدین معنا است که اولاً: شرایط تعیین مجازات بر مرتکب اثبات شود. ثانیاً: در صورت اثبات شرایط مسؤولیت کیفری نوع و میزان مجازات وی مشخص شود. بنابراین ذیل دو قسمت شرایط اثبات مسؤولیت کیفری سردهسته و نوع و میزان مجازات مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲-۱-۱- شرایط مسؤولیت کیفری

برای تحقق ثبوت مسؤولیت کیفری بر سردهسته گروه مجرمانه علاوه بر انجام رفتار مجرمانه، سه شرط: ارتكاب جرم توسط اعضای گروه، ارتكاب جرم در راستای اهداف گروه و اطلاع سردهسته از اهداف گروه مجرمانه ضروری است.

نخست: ارتكاب جرم توسط اعضای گروه

اقدام قانونگذار در تعیین مسؤولیت کیفری سردهسته به این دلیل نوآوری محسوب می‌شود که اولین شرط مسؤولیت سردهسته ارتكاب جرم توسط اعضای گروه است. از این رو، بحث از تعارض ماده (۱۳۰) ق.م.ا. با موادی مثل ماده (۴) ق.ت.م.ا.ا.ک. در خصوص سردستگی در جرایم کلاهبرداری و ارتشا منتفی است؛ چه آن که در قانون اخیر بحث از ارتكاب جرم توسط سردهسته است ولی در ماده ۱۳۰ ق.م.ا. بحث از ارتكاب جرم توسط سایر اعضای گروه است. سوال قابل طرح آن است که منظور از ارتكاب جرم توسط اعضا چیست؟ هرچند اصل تبادر، تقدم «مفهوم عرفی» بر «مفهوم لغوی» و تعلق لفظ ارتكاب به

۲. برای دیدن نظری که تعارض محقق است و عام موخر، خاص مقدم را منسوخ می‌کند. ر.ک. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ج ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲، ص ۳۲۳. برای دیدن نظری که خاص مقدم عام موخر را تخصیص می‌زند. ر.ک. سبزواری، حجت الله، پیشین، ص ۳۶۴. آقای جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، ج ۲، چ ۳، تهران؛ انتشارات جنگل (جاودانه)، ۱۳۹۲، ص ۶۸.

رکن مادی جرم دلالت بر آن دارد که فقط شریک و فاعل مادی، مرتکب جرم هستند. ولی به نظر می‌رسد: از نظر قانونگذار هر کس به هر شیوه‌ای به ارتکاب جرم مبادرت ورزد، مرتکب جرم محسوب می‌شود. از این رو، از نظر اجماع حقوقدانان معاون جرم مانند شریک و فاعل جرم مرتکب محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مرتکب جرم یک «حقیقت قانونی» است که بر «حقیقت عرفی» مقدم است. بنابراین، در صورت، فاعلیت، شرکت و معاونت سردسته در ارتکاب جرم، شرط ارتکاب جرم توسط سایر اعضای گروه محقق نشده است؛ تفسیر به نفع متهم، روح حاکم بر وضع ماده ۱۳۰ق.م.ا. دلالت بر آن دارد که سردسته زمانی از باب جرایم ارتكابی اعضای گروه دارای مسئولیت کیفری است که به شیوه دیگری قابل مجازات نباشد و مهمتر آنکه قسمت اخیر همان ماده که مقرر داشته: «مگر در مورد محارب و مفسد فی الارض که بر سر دسته صدق عنوان محارب و مفسد فی الارض نماید که به مجازات آن جرایم محکوم می‌شود» دلالت بر آن دارد چنانچه سردسته در ارتکاب جرم دخالت داشته باشد مجازات سردستگی قابل تعیین نیست.

بنابراین از یک سو، سردسته گروه نباید فاعل یا شریک یا معاون جرم باشد. از سوی دیگر، ارتکاب جرم از سوی غیر اعضای گروه هر چند در راستای اهداف گروه باشد موجب مسئولیت کیفری سردسته نخواهد بود. لازم به ذکر است، چنانچه عضو گروه معاون جرم توسط غیر اعضای گروه در راستای اهداف گروه باشد شرط ارتکاب جرم توسط اعضای گروه محقق شده است؛ زیرا معاونت در جرم توسط اعضا، ارتکاب جرم محسوب می‌شود. منظور از عضو گروه کسی است که در راستای اهداف گروه، وظایفی را برعهده گرفته و در راستای تحقق اهداف گروه آماده انجام وظیفه است.

دوم: ارتکاب جرم در راستای اهداف گروه

منظور از ارتکاب جرم در راستای اهداف گروه آن است که جرم ارتكابی در راستای رسیدن به اهداف تعیین شده گروه باشد. ارتکاب جرم در راستای اهداف گروه ممکن است مستقیم باشد یا ضمنی. مستقیم بودن بدین معنا است که رسیدن به هدف گروه فقط از رهگذار جرم ارتكابی ممکن باشد. ضمنی بودن بدین معنا است جرم ارتكابی لازمه دستیابی به اهداف گروه باشد هر چند به شیوه دیگری نیز بتوان به آن اهداف دست یافت. برای مثال، هرگاه هدف گروه کسب در آمد از طریق سرقت مسلحانه باشد. سرقت مسلحانه جرم ارتكابی مستقیم و کشتن بزه‌دیده به منظور بردن مال وی جرم ارتكابی غیر مستقیم در در راستای اهداف گروه است. اگر لازمه سرقت مسلحانه، ارتکاب قتل نباشد و عضو گروه به جهت انتقام شخصی- هر چند حین سرقت- مرتکب چنین جرمی شود، قتل ارتكابی در راستای اهداف گروه نیست.

سوم: اطلاع سردسته از اهداف گروه مجرمانه

این شرط در واقع رکن روانی سردستگی گروه مجرمانه است. بنابراین، نخست: رفتار سردسته باید ارادی و از روی اختیار باشد. دوم: سردسته نسبت به ماهیت گروه که همان مجرمانه بودن آن است علم و آگاهی داشته باشد و حتی ظن قوی کافی به مقصود نیست. بدین معنا که آگاه باشد گروه مورد نظر برای ارتکاب جرم تشکیل شده باشد. سوم: از هدف گروه مجرمانه آگاهی داشته باشد. بدین معنا که بداند گروه مجرمانه برای ارتکاب چه جرمی یا جرایمی تشکیل شده است. بدیهی است باید از قصد خاص گروه که همان ارتکاب نوع جرم اطلاع داشته باشد و صرف اطلاع از قصد عام گروه که ارتکاب جرم یا جنس گروه است کافی نیست مگر آنکه اهداف گروه عام و مطلق باشد.

هر چند ظاهر صدر ماده (۱۳۰) ق.م.ا. دلالت بر آن دارد که اعضا مرتکب بیش از یک جرم شوند؛ زیرا بحث حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی می‌نماید. با این وجود، به نظر می‌رسد: حتی اگر اعضای گروه مرتکب یک جرم نیز شوند برای تحقق مسؤولیت سردسته از باب سردستگی کفایت می‌کند؛ چه آن که قسمت اخیر همان ماده که مقرر می‌دارد: «مگر آنکه جرم ارتكابی حد یا قصاص یا دیه باشد...» ارتکاب یک جرم را نیز کافی می‌داند. بنابراین، برای تحقق مسؤولیت سردسته گروه مجرمانه از باب سردستگی، ارتکاب جرم یا جرایمی که در راستای اهداف گروه توسط سایر اعضای ارتکاب یابد، کفایت می‌کند. شاید نظر بینابینی قابل طرح باشد: بدین ترتیب که در جرایم تعزیری باید بیش از یک جرم محقق شود ولی در حدود، قصاص و دیات ارتکاب یک جرم کفایت می‌کند؛ دلیل چنین امری نص صریح همان ماده است. نگارنده با این فرض موافق نمی‌باشد؛ چه آنکه صدر ماده (۱۳۰) ق.م.ا. یک جمله است. واژگان حدود، قصاص و دیه از جهت میزان مجازات استثناء شده‌اند و نه از جهت شرایط تعیین مسؤولیت سردسته. از این رو، مستثنی الزاماً از جنس مستثنی‌منه است.

۱-۲-۲- میزان مجازات

در مورد میزان مجازات سردسته بر اساس اینکه جرم یا جرایم ارتكابی مستوجب تعزیر یا مجازات‌های شرعی باشد حکم قضیه متفاوت است.

نخست: مجازات سردسته در جرایم تعزیری

سردسته به حداکثر مجازات شدیدترین جرم تعزیری که اعضای گروه در راستای اهداف گروه مرتکب می‌شوند محکوم می‌شود. قانونگذار در خصوص جرایم دارای مجازات ثابت ساکت است. یک دیدگاه آن است که در این جرایم مرتکب به همان مجازات محکوم می‌شود. در این صورت، در خصوص حبس ابد و اعدام تعزیری^۱، تعیین چنین مجازات‌هایی برای سردسته خلاف شرع است؛ زیرا تعزیر باید دون الحد باشد و اعدام و حبس ابد دون الحد نیستند لذا تعیین آنها به عنوان تعزیر نیاز به نص دارد و در بحث

۱. برای دیدن نظرات مختلف راجع به ماهیت اعدام تعزیری: ر.ک. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۱، چ ۷، تهران؛ انتشارات جنگل (جاودانه)، ۱۳۹۳، صص ۸۸-۸۹.

حاضر نص نداریم؛ زیرا قانونگذار فقط در خصوص جرایم با مجازات حداقل و حداکثر اظهار نظر کرده است. دیدگاه دوم: با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در این جرایم سردهسته فاقد مجازات است و سکوت قانون باید به نفع متهم تفسیر شود. دیدگاه سوم: در خصوص مجازات حبس ابد و اعدام به سان حدود با آن مقابله شود. بدین معنا که مجازات سردهسته، حداکثر مجازات معاونت در جرایم مستلزم اعدام و حبس ابد یعنی ۲۵ سال حبس باشد و در سایر موارد به مجازات ثابت جرم ارتكابی محکوم شود. هرچند دیدگاه سوم با منطق حقوقی سازگارتر است ولی دیدگاه نخست به نظر قانونگذار نزدیک‌تر است؛ زیرا قانونگذار قصد نداشته که هرگاه اعضای گروه مرتکب شدیدترین جرایم تعزیری شوند سردهسته فاقد مجازات باشد. لازم به ذکر است شخص حقوقی نیز ممکن است بر اثر سردهستگی در ارتکاب جرم دارای مسئولیت کیفری باشد. در صورتی که شخص حقوقی از مصادیق گروه مجرمانه باشد در این صورت مطابق ماده ۲۲ ق.م.ا. به مصادره اموال و انحلال محکوم می‌شود. در غیر این صورت، یک یا دو مجازات مقرر در ماده ۲۰ ق.م.ا. محکوم خواهد شد. در خصوص جرائم راجع به مواد مخدر قسمت اخیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مقرر داشته است: «مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود». در راستای تکمیل چنین حکمی بند ب ماده (۴۵) الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۸/۳ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۹۶/۷/۱۲ در صورتی که مرتکب نقش سردهستگی یا پشتیبان مالی یا سرمایه گذار را داشته باشد در حکم مفسد فی الارض می‌باشد و به اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر و روانگردان محکوم می‌شود.

دوم: مجازات سردهسته در جرائم شرعی

در جرایم مستوجب مجازات حد یا قصاص یا دیه سردهسته به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود مگر در مورد محارب و مفسد فی الارض که بر سردهسته صدق عنوان محارب و مفسد فی الارض نماید به مجازات محارب و مفسد فی الارض محکوم می‌شود. عبارت: «چنانچه بر سردهسته صدق عنوان محاربه یا افساد فی الارض نماید» حاوی دو پیام است. نخست: به مجازات محاربه و افساد فی الارض محکوم می‌شود. دوم: علاوه بر جرم ارتكابی خویش، از باب جرایم ارتكابی اعضای گروه به مجازات سردهستگی محکوم نمی‌شود.

در راستای تبیین پیام نخست این سوال قابل طرح است که در چه صورتی سردهسته ممکن است به مجازات محاربه و افساد فی الارض محکوم شود؟ در پاسخ باید بیان نمود: با توجه به اصل قانونی بودن مجازات، برای اینکه سردهسته به مجازات محاربه و افساد فی الارض محکوم شود باید بر اساس مواد (۲۷۹) و (۲۸۶) ق.م.ا. مرتکب جرایم مذکور شود. بدین ترتیب که سردهسته در جرم محاربه شخصاً دست به اسلحه شود و فاعل جرم باشد. شریک در محاربه، به مجازات محاربه محکوم نمی‌شود؛ چه آن که شرط لازم تحقق شرکت در جرم آن است که دارای رکن قانونی باشد. بدین معنا که قانونگذار به مقررات

شرکت در خصوص جرم مورد نظر تصریح کند. در حقوق ایران قانونگذار در جرایم مستوجب تعزیر، قصاص، دیه، در حدود تنها در سرقت حدی و افساد فی الارض شرکت در جرم را به رسمیت شناخته است و در محاربه به شرکت در جرم تصریح نکرده است؛ دلیل چنین امری، علاوه بر اصل برائت، قاعده درأ، مفهوم مخالف ماده (۶۵۴) ق.م.ا.ت، نظر فقها، عامل مشدده بودن ماهیت شرکت در جرم و اعمال قواعد آن نیاز به تصریح دارد، می‌باشد. معاونت در محاربه بر اساس بند الف ماده (۱۲۷) ق.م.ا. قابل مجازات است. در افساد فی الارض، فاعل یا معاون یا شریک جرایم مذکور در ماده (۲۸۶) ق.م.ا. مفسد فی الارض هستند؛ چه آن که در صدر ماده مذکور بحث از مرتکب جرم می‌کند و در ادامه معاون را نیز مفسد فی الارض می‌داند. در این ماده منظور از مرتکب فاعل و شریک جرم است. از این رو، اصل قانونی بودن جرم و مجازات ایجاب می‌کند که صرف سردستگی قطعاً امکان تعیین مجازات محاربه و افساد فی الارض برای سردسته وجود ندارد؛ زیرا در حقوق کیفری ایران صرف سردستگی دارای مجازات تعزیری است. دوم: به صرف ارتکاب جرم توسط سایر اعضا گروه امکان تعیین مجازات نیز کفایت نمی‌کند؛ چه آن که اگر چنین بود قانونگذار مقرر می‌داشت. از این رو، این ایراد به ماده (۱۳۰) ق.م.ا. وارد است که استثنای اخیر ماده مذکور ناظر به جرایم ارتكابی توسط سردسته است و از شمول بحث خروج موضوعی دارد. هرچند برهی معتقدند: استثنای اخیر ماده (۱۳۰) ق.م.ا. شامل تمام جرائم می‌شود (کلانتری، حیدری، ۱۳۹۸: ۱۴۶). بنابراین در سایر جرایم نیز، هرگاه سردسته صدق عنوان مرتکب آن جرم نماید به مجازات آن جرم محکوم می‌شود و به عنوان سردستگی گروه مجرمانه به جهت ارتکاب همان جرم هرچند سایر اعضا در آن مداخله داشته باشند، قابل مجازات نیست. علاوه بر آن، استثنای اخیر ماده فوق در خصوص محاربه و افساد فی الارض از این جهت نیز قابل انتقاد است که بر خلاف محاربه و افساد فی الارض، جرم بغی الزاماً از طریق گروه مجرمانه قابل ارتکاب است و در خصوص تداخل مسؤولیت کیفری سردسته از باب سردستگی و عضویت قابل بحث و بررسی است. لذا قانونگذار بر فرض محال که چنین استثنایی مقرر می‌داشت باید در خصوص سردستگی جرم بغی قانونگذاری می‌کرد. حتی در جرم بغی نیز عضویت در گروه همراه با سایر شرایط می‌تواند موجب تعیین مجازات بغی باشد. لذا تعیین مجازات اعدام در جرم بغی از باب عضویت است و نه سردستگی.

در راستای پاسخ‌گویی به پیام دوم این سوال مطرح می‌شود که در سایر جرایم، آیا سردسته علاوه بر جرم ارتكابی خویش، از باب سایر جرایم ارتكابی اعضای گروه به عنوان سردسته گروه مجرمانه قابل مجازات است؟ به نظر می‌رسد: مرتکب در این صورت به مجازات جرم ارتكابی خویش و سردستگی محکوم می‌شود و مقررات تعدد مادی اعمال می‌شود؛ چه آن که سردسته مرتکب دو جرم شده است و فقط محارب و مفسد فی الارض از باب جرایم ارتكابی اعضا گروه به مجازات سردستگی محکوم نمی‌شوند ولی در سایر جرایم، سردسته از باب جرایم ارتكابی خویش به مجازات آن جرم محکوم می‌شود و از باب جرایم ارتكابی اعضای گروه به مجازات سردستگی محکوم خواهد شد.

نکته دیگر آن که هرگاه اعضای گروه مرتکب جرم حدی و تعزیری شوند مساله از باب تعدد معنوی قابل بررسی است. بدیهی است چون مجازات سردسته در این موارد همیشه تعزیری است به مجازات جرم شدیدتر محکوم می‌شود. بدیهی است که مقررات قسمت اخیر ماده ۱۳۰ ق.م.ا. شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود؛ چه آن که اشخاص حقوقی به مجازات حدی محکوم نمی‌شوند.

۲- ماهیت سردستگی گروه مجرمانه

ماهیت در لغت به معنای حقیقت، طبیعت، نهاد، ذات و جوهر چیزی است (دهخدا، ۱۳۸۹: ۳۲۳). منظور از ماهیت در نوشتار حاضر آن است که سردستگی گروه مجرمانه به کدام شیوه، مرتکب جرم شده است. در این خصوص فروض ذیل قابل طرح است.

۲-۱- سردستگی به عنوان فاعل میانجی

برخی اعتقاد دارند که فاعل میانجی ممکن است فردی باشد که بدون آنکه در وقوع جرم دخالت مستقیم داشته باشد، با انجام فعل زمینه ارتکاب جرم توسط دیگری را فراهم کند. برای مثال، رئیس شرکت با گماشتن محافظی خشن و سابقه‌دار و مسلح نمودن وی موجبات ایراد جراحت عمدی به شخصی را قصد نزدیک شدن به وی دارد فراهم می‌کند. در این صورت، رئیس شرکت از باب اعمال عمدی ریسک‌مدارانه مسئولیت نیابتی دارد (رنجبر، ۱۳۹۳: ۲۱۲). از این رو، سردسته گروه مجرمانه نیز با انجام اعمال ریسک‌مدارانه زمینه ارتکاب جرم توسط اعضای گروه را فراهم می‌کند، دارای مسئولیت کیفری نیابتی است. بنابراین سردسته به دلیل جرم ارتكابی توسط اعضای گروه و در راستای اهداف آن، قابل مجازات است. در واقع سردسته به دلیل رفتار غیر مجازات می‌شود. از این رو، سردسته فاعل میانجی و مسئولیت وی، ناشی از رفتار غیر است.

به نظر می‌رسد: مسئولیت کیفری سردسته گروه مجرمانه شخصی است؛ چه آن که از یک سو، مسئولیت کیفری وی به دلیل رفتار مجرمانه خویش است؛ زیرا رفتار سردستگی سبب و ارتکاب جرم توسط اعضاء شرط تحمیل مجازات بر سردسته است. مطابق قاعده، معلول منتسب به سبب است و نه شرط. به عبارت دیگر، جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه فقط تعیین کننده میزان مجازات است. از سوی دیگر، رفتار فاعل میانجی همیشه ترک فعل است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۸)؛ زیرا چنانچه شخص مرتکب فعلی شود مسئولیت وی ناشی از رفتار خود است. در حالی که تمام مصادیق رفتار مجرمانه سردسته فقط با فعل محقق می‌شود. بنابراین، فرض فاعل میانجی بودن سردسته گروه مجرمانه محکوم به رد است.

۲-۲- سردستگی به عنوان معاون جرم

برخی سردسته گروه مجرمانه را معاون جرم می‌دانند؛ چه آن که وی در عنصر مادی جرم دخالت نمی‌کند بلکه دستور به ارتکاب جرم داده است و نحوه ارتکاب جرم را تعیین می‌کند برخی دیگر طراح، سازمان دهنده و تشکیل دهنده گروه مجرمانه معاون جرم محسوب می‌شوند ولی اداره کننده گروه مجرمانه را فاعل معنوی می‌دانند؛ زیرا تاثیر مدیر در ارتکاب جرم نسبت به سایر مصادیق سردستگی گروه مجرمانه بیشتر است (حاجی ده آبادی، حبیبی تبار، ۱۳۹۷: ۲۲). بنابراین، از یک سو، اگر قانونگذار برای سردسته مجازات خاصی تعیین نکرده باشد، مجازات وی، مجازات معاون جرم است. از سوی دیگر، چون سردسته گروه مجرمانه معاون جرم است، باید رابطه استناد مؤثر میان جرم ارتكابی توسط اعضای گروه و رفتار سردسته وجود داشته باشد. از این رو، اگر شخصی یک گروه مجرمانه را طراحی کند ولی پس از مدتی از گروه جدا شود، نمی‌توان وی را به عنوان طراح این گروه مجرمانه تحت تعقیب قرار دهد؛ چه آن که بین رفتار وی و جرم ارتكابی رابطه مؤثر وجود ندارد. به نظر می‌رسد: دیدگاه فوق محکوم به رد است؛ چه آن که از یک سو، یکی از مصادیق سردسته گروه مجرمانه طراح گروه است. کسی که گروه را طراحی می‌کند ممکن است به هیچ وجه از ارتکاب جرم توسط اعضای اطلاع نداشته باشد. حتی ممکن است پس از طراحی از گروه جدا شود. بدیهی است که در این صورت نیز شرایط ثبوت مسؤولیت کیفری بر سردسته محقق است و صرف جدایی وی از گروه عامل موجهه و انصراف از سردستگی محسوب نمی‌شود. به نظر می‌رسد جدایی سردسته در صورتی مورد پذیرش واقع می‌شود که دارای شرایطی باشد: ۱. انصراف قبل از وقوع جرم توسط اعضاء گروه باشد. ۲. انصراف ارادی باشد. ۳. انصراف واضح و صراحت داشته باشد. ۴. اقدامات معقول در راستای جلوگیری از ارتکاب جرم انجام دهد. مانند موردی که ماهیت و برنامه گروه مجرمانه به ضابطین دادگستری یا مراجع قضایی اطلاع دهد. در صورتی که انصراف پس از وقوع جرم باشد، چنین انصرافی، پشیمانی محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد: در صورت همکاری مؤثر و اطلاع وجود گروه مجرمانه و ارتکاب جرم آنها به مراجع ذی صلاح، چنانچه پشیمانی از مصادیق توبه باشد مقررات توبه حاکم است. در غیر این صورت، با رعایت شرایط مقرر قانونی از جهات تخفیف اختیاری مجازات سردسته است. بنابراین، معاون دانستن طراح گروه مجرمانه به عنوان معاون جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه امری دور از ذهن است؛ زیرا وی به تشکیل گروه مجرمانه کمک کرده است و به ارتکاب جرم کمک مؤثر نکرده است. از سوی دیگر، روح حاکم بر قانون مجازات اسلامی بیانگر آن است که سردسته گروه مجرمانه معاون جرم نیست؛ چه آن که اگر معاون جرم بود باید ماده (۱۳۰) ق.م.ا. ذیل فصل سوم و ماده (۱۲۷) ق.م.ا. تعیین می‌یافت و نیازی به اختصاص فصلی جداگانه نداشت و حداکثر عامل مشدده مجازات معاون بود. در حالی که سردسته در جرایم تعزیری به حداکثر مجازات فاعل اصلی محکوم می‌شود.

۲-۳- سردستگی به عنوان فاعل معنوی

برخی با توجه به سابقه قانونگذاری حقوق کیفری ایران در مواد ۳۰ ق.م.ع.^۱ و ۴۵ ق.م.ا.^۲ مصوب ۱۳۷۰ و با استناد به اینکه سردستگی گروه مجرمانه همان سردستگی در ارتکاب جرم است، سردسته گروه مجرمانه را فاعل معنوی می‌دانند (سبزواری، ۱۳۹۲: ۳۶۴، آقای جنت مکان، ۱۳۹۲: ۶۸. مصدق، ۱۳۹۳: ۴). برخی دیگری فقط اداره کننده گروه مجرمانه را فاعل معنوی می‌دانند (حاجی ده آبادی، حبیبی تبار: ۲۲) منظور از فاعل معنوی: «فردی است که به جهت داشتن اقتدار بر دیگری، از طریق فرد دارای مسؤلیت کیفری، مرتکب جرم عمدی می‌شود»^۳. بنابراین، مطابق این نظر:

نخست: سردسته "فرد" است نه شخص و شامل اشخاص حقوقی نمی‌شود؛ چه آن که جرم به انجام رفتار نیاز دارد و رفتار مادی جز با یکی از اندام‌های بدن انسان که قادر به کنش باشد، قابل تحقق نیست. ارتکاب جرم توسط اشخاص حقوقی ناممکن است؛ زیرا فاقد عضو و اندام هستند. نماینده قانونی شخص حقوقی زمانی که با رعایت شرایط قانونی مرتکب جرم شود به حساب شخص حقوقی نوشته می‌شود. بنابراین، اشخاص حقوقی از دامنه شمول شیوه‌های ارتکاب جرم خارج هستند.^۴

دوم: سردسته نسبت به اعضای گروه دارای اقتدار است. بنابراین، سردسته از یک سو، با محرک و ترغیب کننده متفاوت است؛ چه آن که محرک و ترغیب کننده فقط انگیزه ارتکاب جرم را به فاعل اصلی منتقل می‌کند. پس از آن، ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم بستگی به نظر فاعل اصلی دارد. ولی سردسته نه تنها قصد ارتکاب جرم را به فاعل اصلی منتقل می‌کند، بلکه تا انتهای رفتار مجرمانه، ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم بستگی به نظر سردسته دارد. در سوءاستفاده از قدرت، در صورت عدم ارتکاب جرم توسط فاعل اصلی، وی با واکنش معاون روبرو نمی‌شود. ولی در سردستگی با واکنش سردسته مواجه خواهد شد. بنابراین، اقتدار معاون بر فاعل اصلی کم‌اثرتر از سردسته است.

سوم: سردستگی در ارتکاب جرم فقط در جرایم عمدی قابل تصور است؛ چه آن که در جرایم غیرعمدی هیچ‌گاه فاعل اصلی نمی‌داند که جرم محقق می‌شود. بنابراین، سردسته به طریق اولی از ارتکاب جرم بی‌اطلاع است. ارتکاب جرم غیرعمدی از طریق فاعل مسؤول نظریه مسؤولیت نیابتی را مطرح می‌سازد. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در تبصره (۱) ماده (۲) به فاعل معنوی اشاره کرده است

۱. ماده ۳۰ قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲: «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به عهده داشته باشند اعم از اینکه عمل آنها شرکت در جرم یا معاونت باشد حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود مگر اینکه در قانون، مجازات خاصی تعیین شده باشد».

۲. ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است».

۳. ر.ک. اردبیلی، محمد علی. فروتن، مصطفی، فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران، تهران؛ مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۷۳، ۱۳۹۵، صص ۱۱-۳۴.

۴. برای نظر مخالف: ر.ک. شریفی، محسن، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چ ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴.

و تا حدی آن را با سبب اقوی از مباشر خلط کرده است.^۱ ولی با دقت در مفاد تبصره مذکور متوجه می‌شویم که در تبصره مذکور قانونگذار مفهوم فاعل معنوی را با مفهوم سبب اقوی از مباشر خلط کرده است. ولی به منظور برون رفت از این تعارض باید قائل بر آن بود که منظور قانونگذار از عبارت «به شرط آنکه اقوی از مباشر باشد» آن است که دستور دهنده مغز متفکر باشد. آنچه چنین تفسیری را تأیید می‌نماید تعیین مجازات برای مباشر در ذیل تبصره مذکور است. در غیر این صورت در بحث سبب اقوی از مباشر، مباشر معاف از مسؤولیت کیفری است. علاوه بر ماده فوق، (۱۸) نیز به بحث فاعل معنوی پرداخته است و مقرر داشته است: «هر کس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی یا مدیریت کند و از فعالیت مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر جرائم به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود». هر چند سردستگی در گروه مجرمانه با سردستگی در ارتکاب جرم از جهات بسیاری از جمله: مسؤولیت کیفری هر دو شخصی است و به دلیل رفتار ارتكابی خویش است. رفتار مجرمانه هر دو فقط از طریق فعل محقق می‌شود. شرط تحقق مسؤولیت کیفری ارتکاب جرم توسط فاعل اصلی است. فاعل اصلی در هر دو دارای مسؤولیت کیفری است. رفتار هر دو عمدی است و در جرایم عمدی قابل تصور است. ولی سردسته گروه مجرمانه فاعل معنوی نیست و باید بین سردستگی گروه مجرمانه با سردستگی در ارتکاب جرم تمایز قائل شد. بنابراین بنا به جهات ذیل با یکدیگر متفاوتند:

نخست: در تئوری فاعلیت معنوی، فاعل اصلی به نام و حساب فاعل معنوی مرتکب جرم می‌شود و تمام منافع مادی و معنوی جرم به وی می‌رسد. در حالی که در سردستگی گروه مجرمانه، فاعل اصلی به نام و به حساب خود مرتکب جرم می‌شود و منافع حاصل از جرم میان اعضای گروه تقسیم می‌شود.

دوم: فاعل معنوی از وقوع جرم و جزئیات آن اطلاع دارد. ولی سردسته الزاماً از وقوع جرم و به ویژه ممکن است از جزئیات آن آگاه نباشد. به عبارت دیگر، فاعل معنوی دارای سوءنیت تفضیلی در ارتکاب جرم خاص ارتكابی توسط فاعل اصلی است ولی سردسته گروه مجرمانه دارای سوءنیت خاص اجمالی است.

سوم: هرچند اداره‌کننده گروه مجرمانه مغز متفکر آن گروه به حساب می‌آید ولی طراح، سازمان‌دهنده و موسس به هیچ وجه چنین وصفی را ندارند. به عبارت دیگر، کسانی که سردسته گروه مجرمانه را فاعل معنوی می‌دانند مفهوم عرفی آن را مد نظر قرار داده‌اند. این در حالی است که سردستگی دارای مفهوم

۱. تبصره (۱) ماده (۲) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: «هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آنکه اقوی از مباشر باشد به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

قانونی است. از این رو، سردسته ارتکاب جرم، فاعل معنوی است ولی سردسته گروه مجرمانه فاعل مادی است.

۲-۴- سردستگی به عنوان فاعل مادی

برخی دیگر سردسته گروه مجرمانه را فاعل مادی جرم می‌دانند؛ چه آن که در موارد خاصی که قانونگذار صرف سردستگی گروه مجرمانه دارای مسؤولیت کیفری می‌داند (سردستگی گروه مجرمانه موضوع ماده ۴۹۸ ق.م.ا.ت.)، چنین مرتکبی قطعاً فاعل مادی جرم است. به این دلیل واضح که به دلیل رفتار ارتكابی خویش مجازات می‌شود و با دیگران در انجام رفتار مجرمانه شرکت ندارد. علاوه بر آن، سردسته گروه مجرمانه از باب جرایم ارتكابی اعضای گروه در راستای اهداف آن گروه نیز به این دلیل مجازات می‌شود که به یکی از شیوه‌های مذکور در قانون مرتکب چنین جرمی شده است. چنین شیوه ارتكاب جرمی بیشترین شباهت به فاعل مادی دارد؛ زیرا مجازات وی به دلیل رفتار ارتكاب خویش است و نه بدلیل جرم ارتكابی توسط اعضای گروه. جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه فقط ملاک تعیین میزان مجازات است.^۱

۲-۵- سردستگی به عنوان شیوه نوین ارتكاب جرم

هر چند دیدگاه اخیر نسبت به سایر دیدگاه‌ها مذکور از قوه استدلال قوی‌تر برخوردار است، ولی به نظر می‌رسد: سردستگی گروه مجرمانه فاعل مادی محسوب نمی‌شود؛ زیرا فاعل مادی علاوه بر آنکه مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود بلکه میزان مجازات جرم ارتكابی وی با توجه به رفتار خودش، تعیین می‌شود. به همین دلیل، مسؤول دانستن وی امری بدیهی و قدر متقین است و نیازی به ذکر آن در عموماً قانون مجازات اسلامی نیست. حتی با وجود عدم ذکر فاعل جرم به عنوان شیوه ارتكاب جرم، وجود آن مورد اتفاق و اجماع حقوقدانان است. این درحالی است که در سردستگی گروه مجرمانه تعیین اصل مجازات برای سردسته، با توجه به رفتار مجرمانه خویش است ولی تعیین میزان مجازات، با توجه به جرایم ارتكابی اعضای گروه در راستای اهداف همان گروه است. به عبارت دیگر، رفتار فاعل مادی، جهت تعیین کیفر "علت"، ولی رفتار سردسته "سبب" است. "سبب" در صورتی موجب تحقق "معلول" می‌شود که مقرون به "شرط" باشد ولی "علت" به تنهایی برای تحقق "معلول" لازم و کافی است. از این جهت، سردستگی گروه مجرمانه با فاعل مادی متفاوت است و یک شیوه خاص ارتكاب جرم می‌باشد. به همین دلیل قانون مجازات اسلامی سردستگی گروه مجرمانه به عنوان یک شیوه مستقل در کنار سایر شیوه ارتكاب جرم ذکر کرده است. چنانچه قانون مجازات اسلامی به چنین شیوه ارتكاب جرمی تصریح نمی‌کرد سردسته گروه مجرمانه بر خلاف فاعل مادی جرم از جهت جرایم ارتكابی اعضای گروه در راستای اهداف گروه فاقد مسؤولیت کیفری بود.

۱. آزمایش، علی، مصاحبه ۱۳۹۲/۳/۲۵، گردآوری شده توسط نگارنده.

هرچند قانونگذار ایران از ابتدای قانونگذاری مسؤولیت کیفری سردسته گروه مجرمانه از جهات مختلف مانند، صرف سردستگی گروه مجرمانه، عضویت در گروه مجرمانه، معاونت در ارتکاب جرایم توسط اعضای گروه، معاونت در تشکیل گروه مجرمانه و جرایم ارتكابی خویش در گروه مجرمانه به رسمیت شناخته شده است. ولی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده (۱۳۰) یکی از گام‌های روبه جلو و در عین حال دارای ایراد در جهت شناسایی قسم جدیدی از مسؤولیت کیفری سردسته گروه مجرمانه یعنی مسؤولیت کیفری در قبال جرایم ارتكابی اعضا در راستای اهداف گروه مجرمانه برداشته است.

رو به جلو است: زیرا فقط در قسمت اخیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به آن اشاره شده بود و به عنوان یک قاعده عمومی به رسمیت شناخته بود ولی در ماده (۱۳۰) قانون مجازات عمومی به عنوان یک نظریه عمومی به رسمیت شناخته است. قانونگذار در این راستا به درستی در تبیین مسؤولیت کیفری سردسته از باب جرایم ارتكابی اعضای گروه با رعایت موازین شرعی و سرلوحه قرار دادن دیدگاه ذهنی‌گرایی در حقوق کیفری: **نخست:** سردسته را دارای یک "حقیقت قانونی" می‌داند و از مفهوم عرفی آن وسیع‌تر است. **دوم:** به منظور مقابله بایسته با چنین مرتکبی در تعیین مجازات سردسته گروه مجرمانه دیدگاه ذهنی‌گرایی را سرلوحه کار خویش قرار داده است.

دارای ایراد است: زیرا **نخست:** در جرایم تعزیری به جرایم ارتكابی با مجازات‌های ثابت اشاره نکرده است. بایسته است که سردسته در جرایم مستوجب مجازات اعدام و حبس ابد تعزیری به حداکثر مجازات معاونت در جرم ارتكابی توسط اعضا و در سایر موارد به همان مجازات ثابت محکوم شود. **دوم:** به دیه اشاره شده است. با توجه به عبارت "ارتکاب جرم اعضا در راستای اهداف گروه مجرمانه باشد" جرایم عمدی مد نظر است در حالی که دیه علی‌الاصول واکنش در قبال جنایات غیر عمدی است و در مواردی که جرم ارتكابی عمدی باشد جایگزین قصاص محسوب می‌شود. در این صورت، جرم مستوجب قصاص است و نه دیه و حذف دیه از ماده ۱۳۰ ق.م.ا. ضروری است. **سوم:** تفکیک نحوه تعیین مجازات سردستگی در جرم محاربه و افساد فی‌الارض؛ چه آن که اعمال مجازات محارب و مفسد فی‌الارض بر سردسته ناظر به جرایم ارتكابی توسط سردسته است و از شمول ماده خروج موضوعی دارد. حذف آن از قسمت اخیر ماده ۱۳۰ ق.م.ا. ضروری است. **چهارم:** عدم تبیین گروه مجرمانه سازمان یافته؛ زیرا قانونگذار با عدم ذکر شرط استمرار در تشکیل گروه در واقع باند مجرمانه را تعریف نموده است. لذا باید به شرط استمرار در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا. اشاره شود. **پنجم:** عدم ذکر حامی مالی گروه مجرمانه و گیرنده عضو پس از تشکیل گروه مجرمانه؛ چه آنکه خطر چنین اشخاصی در تشکیل و استمرار گروه مجرمانه نسبت به طراح به مراتب بیشتر است. لذا باید حامی مالی و گیرنده عضو پس از تشکیل گروه مجرمانه به عنوان سردسته اشاره شود.

منابع و مأخذ

الف - کتاب‌ها:

- آقابابایی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی فقهی-حقوقی جرم براندازی، ج ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۲)، حقوق کیفری عمومی، ج ۲، چ ۳، تهران؛ انتشارات جنگل (جاودانه)،.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۲۵، تهران؛ نشر میزان،.
- الهام، غلامحسین. برهانی، محسن. (۱۳۹۴). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، ج ۲، چ ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان،.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۹). لغت‌نامه دهخدا، ج ۲، چ ۲۳، تهران؛ انتشارات اساطیر،.
- رنجبر، حسین. (۱۳۹۳). مسئولیت کیفری نیابتی، چ ۱، تهران؛ موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش،.
- سبزواری، حجت‌الله. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی (جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و موانع آن)، چ ۱، چ ۱، تهران؛ انتشارات جاودانه (جنگل)،.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۲). جنایات سازمان یافته فراملی، چ ۱، تهران؛ انتشارات تهران صدا،.
- سالاری، میرزا مهدی. (۱۳۸۷). جرایم علیه امنیت، چ ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان،.
- شریفی، محسن. (۱۳۹۴). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، چ ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان،.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم. (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان،.

- عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ عمید (فرهنگ یک جلدی فارسی)، چ ۱۱، تهران؛ موسسه انتشارات امیر کبیر،

- مصدق، محمد. (۱۳۹۳). شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۱، چ ۷، تهران؛ انتشارات جنگل (جاودانه).

- میرسعیدی، سید منصور. (۱۳۸۳). مسؤولیت کیفری: قلمرو و ارکان، چ ۱، تهران؛ نشر میزان،

- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۸۶). حقوق جزای بین‌الملل، چ ۲، تهران؛ بنیاد حقوقی میزان،

ب- مقاله

- اردبیلی، محمد علی. فروتن، مصطفی. (۱۳۹۵). «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران» تهران؛ مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۷۳، (شماره صفحات) ۱۱-۳۴

- بوریکان، ژاک. (۱۳۷۷). «بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه»، مترجم: نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۲.

- حاجی ده آبادی، احمد. حبیبی تبار، محمود. (۱۳۹۹). «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته در جرائم تعزیری»، فصل نامه حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱۳، شماره ۳۶، ۴۸-۶۱

- شاکری، ابوالحسن و قلی زاده، بهروز. (۱۳۹۷). «سردستگی در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۳، ۱۲۲-۹۹

- کلاتری، کیومرث. حیدری، سید مسعود. (۱۳۹۸). «واکاوی تشدید کیفری در پرتو مفهوم سردستگی و سازمان یافتگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۲۵-۱۵۲

- مصدق، محمد. (۱۳۹۳). «سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته و موضوع تعدد جرم» مجله دادرسی، ش ۱۰۸، ۳-۱۴

- مقیمی، مهدی. صوفی زمر، محسن. (۱۳۹۷). «مفهوم و قلمرو جرائم سازمان یافته در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، مجله کارآگاه، سال یازدهم، پایی شماره ۴۴، ۴۷ تا ۶۴

ب- تقریرات

- نجفی ابراندآبادی، علی حسین (۱۳۸۵)، تقریرات درس جرم‌شناسی (جرایم سازمان یافته)، به کوشش حسنی، جعفر، تهران؛ دانشگاه شهید بهشتی.

ت- انگلیسی

- Abadinsky, Howard (۲۰۰۴), Organized Crime, fourth edition, Chicago,.

- Adamoli Sabrina/ Di Nicola Andrea/ Savona Ernesto U/ Zoffi Paola (۲۰۰۵), Organized Crime Around the Word, Helsinki,.

- EDWARD, ADAM & PETE GILL (۲۰۰۲), Crime as Enterprise? The Case of "transnational organized crime" Crime, Law and Social Change, Vol. ۳۷, no. ۳

HANS-JORG ALBRECH, The UN Transnational Crime, An Introduction, The Containment Of Transnational Organized Crime, Hans-jorg Albrecht and Cyrille Fijnaut(eds) Freiburge.

- M.CHERIF BASSIOUNI AND EDUADO VETERE(۱۹۹۸), Organized Crime: A compilation of U.N. Documents ۱۹۷۵-۱۹۹۸, Transnational publisher, Inc. Ardsley, New York,.

- FIJNAUT, CYRILLE(۲۰۰۲), The UN Convention and the Global Problem of Organized Crime, The Containment of Transnational Organized Crime, Hans-jorge and Albrecht and Cyrille Fijnaut(eds.) Freiburge i. Br..

- WILLY BRUGGEMAN. The Fight Against Organized Crime: possibility, problems and opportunity, with a special focus on the EU, The Containment of Transnational Organized Crime, Hans-jorge and Albrecht and Cyrille Fijnaut(eds.) Freiburge i. Br.